**سواد قرارداد استخدام کریز اطریشی**

**محبوبی اردکانی، حسن**

از مأموریت‏های فرخ خان امین الملک سفیر ایران در دربار ناپلئون سوم یکی هم‏ این بود که عده‏ای صاحبمنصب نظامی فرانسه را برای تربیت قشون ایران استخدام نماید و برای اینکه در بستن قرارداد نمونه‏ای در دست داشته باشند،میرزا سعید خان مؤتمن الملک‏ وزیر دول خارجه سوادی از قرارداد و استخدام کرزیر اطریشی را که در زمان امیرکبیر برای همین منظور یعنی تعلیم و تربیت محصلین و سپاهان ایران استخدام شده بود جهت‏ وی فرستاده است تا ملاک عمل او در استخدام صاحب منصبان فرانسوی باشد.

عین سند که گوشهء آن را میرزا سعید خان نوشته است ضمن اسنادی که بهمت بلند جناب‏ آقای معاون الدولهء غفاری بضمیمهء کتابخانهء ایشان به دانشگاه اهداء شده است یعنی با یک سلسله‏ اسناد دیگری مربوط بمأموریت فرخ خان در دست طبع است و من بنده با اجازه‏ای که مدتها پیش دربارهء انتشار این سند از ایشان کسب کرده‏ام در مقام انتشار آن برآمده‏ام.

سواد ترجمهء قرارنامهء1عالیجاه‏2موسیون جان خان در باب‏ کرشش معلم توپخانه

بندهء درگاه لیوتانت اول‏3اعلیحضرت امپراطور او اوستریا4اوقوست کرژیژ چون قرارنامه‏ را قبول داشت که عالیجاه موسیو جان داود مترجم اول دولت علیهء ایران باسم دولت مشار الیها از برای معلم توپخانه تصدیق نمود تعهد میکند که قراردادهای آتیه را بصدق تمام(تام)و دقت تمام مراعی خواهد داشت

مادهء اول-بنده بدولت علیهء ایران مدت پنجسال تمام بقسم معلم توپخانه در مکتب‏ خانهء پادشاهی نظامی که در دار الخلافه طهران بنا شده است5خدمت خواهم کرد و در دروس‏ و یاد دادن اشخاصی که امنای دولت علیهء ایران بمکتب‏خانهء مزبور تعیین خواهد نمود سعی‏ تمام مراعی خواهم داشت.

مادهء دویم-اگر اولیای دولت علیهء ایران از او خواسته باشند که بتعلیم لشکر منصوریه‏ ایران بپردازد و هم این را قبول داشته حسب الامر و خواهش امنای دولت علیه بعمل خواهد آورد.

مادهء سیم-وقتی که بنده شکایتی داشته باشم راست براست وبدون واسطهء دیگر بامنای‏ دولت علیهء ایران عرض نموده اجرا خواهم داشت.

(1)-بعد از این کلمه،کلمهء دیگر هم بود که چون زاید بنظر میرسید حذف شد.

(2)-این کلمهء عالیشان هم خوانده میشود.

(3)-این عنوان را به تعبیر امروز ستوان‏ یکم میگویند.

(4)- Austria اطریش.

(5)-مراد دار الفنون و معلوم‏ میشود که هنوز جان داود از نام‏گذاری آن اطلاع نداشته است.

مادهء چهارم-نسبت بعادات و قواعد مملکت ایران به آنها دقت تمام کرده خلاف آن‏ نخواهم کرد.

مادهء پنجم-بعد از اتمام خدمت قرارداد شده که پنج سال باشد امنای دولت علیهء ایران‏ اختیاری تمام دارند که بنده را مبلغ دویست تومان رایج از برای خرج راه مراجعت کردن‏ بوطن خود داده مرخص کنند یا اگر مناسب رأی شریفشان باشد که او را در خدمت دارند و او از این هم راضی باشد تجدید قرارنامه کرد و در خدمت مزبور نگاه بدارند.

تحریرا در دار السلطنه و ینادر روز سی‏ام ماه فیابوس‏18511

جای امضای و مهریک بارب.شاهد بندهء درگاه هنریک بارب صاحبمنصب نظارت‏ خانهء تجارت دولت بهیهء اوستریا و مترجم دیوانخانهء بزرگ ممالک متعلق بدار السلطنه و ینا که در زیر امضاء و مهر کرده‏ام تصدیق میکنم که این ترجمهء قرارنامه را که در حضور بنده‏ با امضای و مهر موسیو کرژیژ رسیده بود خودم از زبان نمسه‏2بزبان فارسی آورده‏ام و صحیح‏ است.تحریرا در دار السلطنت و بنا در روز دهم ماه اوگوستوس سال 1851 تاریخ عیسوی‏ هنریک بارب‏3

بخط میرزا سعید خان

«شرایط نوکری معلم توپخانه در ازاء ششصد تومان مواجب از قرار تفصیل است و شرایط نوکری سایر معلمین نمساوی هم از قرار این شرح است.در باب مواجب هم چندان فرق‏ ندارند از ششصد تومان بیشتر و بعضی قدری کمترند.

نکتهء مهم در این قرارداد مختصر و مفید که شاید نکات اساسی آن در تهران به جان‏ داود تذکر داده شده باشد این است که راه هرگونه عذر بهانه و تشبث و دست‏آویزی بر روی امضاءکننده بسته شده است و باید تا آنجا که وجدانش اجازه میدهد کار کند و بدستوریکه‏ به او داده میشود احترام گذارد و بهیچ مقام خارجی هم بستگی و پشت‏گرمی نداشته باشد. قرارداد را هم مترجم رسمی دیوانخانهء وینه برای امضاءکننده خوانده و بعنوان گواه خود وی هم آن را با معرفی خود امضاء کرده است و جای هیچگونه ایراد و شک و تردیدی در آن نیست.اما اشخاصی که در این قرارداد نام برده شده‏اند.

نخست-جان خان،یا جان داود مترجم اول دولت ایران که عضو وزارت امور خارجه و جزء اعضاء سفارت ایران در سن‏پطرزبورگ بود و از طرف امیرکبیر به او مأموریت‏ داده شده بود که برای استخدام معلمین اطریشی به وینه پایتخت اطریش برود.

دیگر-اوگوست کرژیژ Auguste Krziz که در منابع ایرانی او را«آگشت‏کی‏ژیرو» و«کرشیش»و«کریشش»نوشته‏اند مانند همکار و هم‏وطن خود«دکتر بولاک»اصلا چک بود و بعنوان معلم توپخانه استخدام شده بود ولی حساب و هندسه و جغرافیا و تاریخ جنگهای‏ معروف را نیز درس میگفت.4در سال 1269 که وبا در طهران شیوع یافته هم رجوع نمودم‏ (1)-این کلمه را نتوانستم بخوانم،به اسامی ماهها به زبان آلمانی هم رجوع نمودم‏ رفع مجهول نشد.

(2)-یعنی اطریش و در حالت نسبت نمساوی.

(3)-در اصل‏ سند هم بهمین صورت است.

(4)-وقایع اتفاقیه نمرهء 98 ربیع الاول 1269

شاه سلطانیه رفته بود که کرژیژ که در شمیرانات بود از آمدن بشهر اکراه داشت.بدستور اردشیر میرزا حکمران طهران او را در کاخ نگارستان‏1منزل دادند تا در سر کار خود و تعلیم متعلمین دار الفنون حاضر باشد2.تأسیس اولین دستگاه تلگراف در مدرسهء دار الفنون‏ و سپس مبین باغ لاله‏زار و عمارت سلطانی از کارهای اوست‏3.این شخص پس از گذشتن مدت‏ قرارداد اولی باز هم سالها در ایران ماند و بارها مورد توجه ناصر الدین شاه قرار گرفت و به او انعام و خلعت داده شده،و در سال 1274 به منصب سرتیپی نائل گردیده‏4.مترجم‏ او میرزا کی پسر حاجی میرزا مقیم مازندارن علی آباد از محصلین اعزامی دورهء محمد شاه بفرانسه بود که بعدا بمقام سرهنگی توپخانه رسید.5

در سال 1290 که ناصر الدین شاه بفرنگستان رفت در روز دوشنبهء دوم جمادی الاخری‏ در سرحد یطالبا و در ایستگاهی نزدیک قلعهء نظامی Franzausuat او را در میان‏ ژنرالها و صاحبمنصبانی که برای معرفی شدن حاضر گشته بودند دیده است و دربارهء وی‏ مینویسد:

«موسیو کرشیش معلم علم توپخانه را که سابقا معلم مدرسهء دار الفنون طهران بود که‏ محمد مسن خان پسر سپهدار و محمد صادق خان قاجار از شاگردهای خوب او هستند آنجا دیدم قدری ریشش سفید شده است بنیه‏اش بسیار خوب است...«6

سه دیگر-هنریک بارب که هرچند خود را در موقع نوشتن گواهی معرفی کرده است‏ ولی اضافه میشود که او نیز ناصر الدین شاه در همان تاریخ در مرز ایطالیا و ایران دیده‏ و جزو مأمورین و مهمان‏داران اطریش بشمار آورده و دربارهء وی نوشته است.

«مسیو بارب Mrqarb مستشار دربار که فارسی را خوب حرف میزد.قدری با آنها صحبت شد...7

دربارهء مقالهء گذشته یادآوری دو نکته ضروری است:

یکی آنکه آنای سردار اعظم قهرمان نوادهء بانو عظمی هستند و این موضوع را دانشمند گرامی آقای حسین سعادت نوری به بنده تذکر دادند و صمیمانه از ایشان سپاسگزاری مینمایم.

دیگر آنکه بنده نتوانستم از همه تحصیل کردگان ایرانی در روسیه دورهء قاجاریه‏ اطلاع پیدا کنم و قهرا نام بسیاری ذکر نشده است این موضوع موجب تأسف است ولی بخصوص باید عرض کنم که هر کس در تدوین این اطلاعات شرکت کند بسهم خود کمکی بتاریخ ایران کرده است

(1)-محل فعلی مؤسسهء تحقیقات اجتماعی که عمارات آن بکلی از میان رفته است.

(2)-وقایع اتفاقیه نمرهء 138 پنجشنبه 18 ذی الحجة الحرام 269 ص 1

(3)همان‏ روزنامه نمرهء 37 پنجشنبه دوم شعبان 1274 ص 1

(4)-مرآت البلدان ج 2 ص 220

(5)-همان مدرک ص 226

(6)-سفرنامهء ناصر الدین شاه به قطع حبیبی ص 185.

(7)-همان مدرک ص 184